

بازی‌های پویا

نزدیم به
[دوستان آن کودک]

فریده عصاره

www.ketab.ir



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
وزارت آموزش و پرورش

بازی‌های پویا

مولف: فریده عصاره

مدیر هنری: مهرداد مه‌آبادی

تصویرگر: احسان همتی‌فراز

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: رایانه نگار

اپ و صحافی از: چاپ خجسته

قیمت: ۲۷۰۰۰۰ ریال

ی چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۱۱-۱۱۴۴-۳

ISBN 978-964-08-144-3

نشانی: تهران، خیابان سپهر، قرن، پل کریمخان زند، کوچه شهید محمود حقیقت‌طلب، شماره ۸

فن: ۸۸۸۰۰۳۰۹ دوزنویس (فاکس): ۸۸۹۰۲۸۰۹

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

عصاره، فریده، ۱۳۳۸ -

بازی‌های پویا / مولف فریده عصاره.

تهران: مدرسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ۱۳۹۵.

۱۶۸ ص. مصور.

۹۷۸ ۹۶۴-۰۱۱-۱۱۴۴-۳

ش

کتابنامه: ص. ۱۶۷ - ۱۶۰

بازی‌های کودکان

Childrens games*

پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و ...

Grandparent and child

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)

GV۱۲۰۳/ع۶ب۲ ۱۳۹۵

۷۹۰/۱۹۲۲

۴۳۰۱۵۵۲



MadresehPublication



Madreseh_Publication



www.enma.ir

۸ مقدمه

بخش اول: بازی در خانه

۲۳ فصل اول

بازی در حال

۶۲ فصل دوم

بازی با بی شکسته

۷۷ فصل سوم

نظافت در دو و نیم سالگی

۸۴ فصل چهارم

بازی در آشپزخانه

۱۱۴ فصل پنجم

آب بازی

بخش دوم: بازی در بیرون از خانه

۱۲۵ فصل ششم

بازی درکیش در یک سال و هشت ماهگی

۱۲۹ فصل هفتم

بازی در حیاط

۱۳۶ فصل هشتم

بازی در پارک در یک سال و نه ماهگی

۱۴۰ فصل نهم

بازی در پارک

۱۵۹ فصل دهم

بازی در سفر در دو و نیم سالگی

۱۶۶ منابع

مقدمه و پیش‌گفتار

بیشتر زمانی را که او نزد من است، با هم بازی می‌کنیم. این‌گونه مواقع، هر دومان لحظات خوشی داریم. برای من فرصتی است تا من هم به کودکی‌ام برگردم؛ کودک درونم را بازیابم و حلاوت کودکی را دوباره بچشم. من از این کودک درس‌ها می‌آموزم و ساعت‌ها در محضر این معلم کوچک شاگردی می‌کنم. مطالبی که از او یاد می‌گیرم نه تنها دست اول بلکه خیلی آموزنده‌تر از کتاب‌هایی است که در دوران خدمتم به کودکان، با آن‌ها سروکار داشته‌ام. طی چهل سال که در عرصه‌های مختلف خدمت کرده‌ام، چه زمانی که در مراکز تربیت معلم و دانشگاه به دانشجویان رشته علوم تربیتی که می‌خواستند به حرفه مربیگری و یا آموزگاری مفتخر شوند، تدریس می‌کرده‌ام. چه سالیان مدیدی که در دفتر تألیف کتب درسی به پژوهش و برنامه‌ریزی برای کودکان این مرز و بوم اشتغال داشته‌ام یا مربی کودک یا آموزگار بوده‌ام؛ همواره از کتاب‌ها و منابع گوناگونی استفاده کرده‌ام ولی هیچ کدام از آن‌ها به اندازه این کنش‌ها و واکنش‌ها با نوه‌ام، ناب و بکر و تازه نبود است و از هیچ کدام از این منابع به اندازه او یاد نگرفته‌ام. در واقع، با وجود او فرصتی برای همراهی شده است تا آب شناختن روند تعلیم و تربیت کودکان را از سرچشمه‌اش بنوشم و آزمایشگاهش بود است که در آن نظریه‌های مختلف روان‌شناسی کودکان را مرور کرده‌ام. در تعامل با او برخی نظریه‌ها بی‌فایده می‌شدند و برخی قابل تأمل به نظر می‌رسیدند. قانون چگونگی رفتار با دیگران را در تعامل با او دریافتم. برای مثال؛ دریافتم وقتی با کسی همراهی کنی او هم با تو همراه و رفیق است و در پی خواسته‌هایش اهمیت ندهی و با او مخالفت کنی، بنای لجاجت را می‌گذارد. به راستی، در گذشته به خانواده‌ها بچه‌های بیشتری داشتند با هر بچه قانون رفتار و قانون زندگی را با او مرور می‌کردند. بیشتر جمله‌هایی را که در رابطه خود با او از آن‌ها استفاده می‌کنم و ترفندهایی را که به کار می‌گیرم، چندی بعد تحویل می‌دهد. ازحال و احساسات و عواطفم تأثیر می‌پذیرد و هر روزی رنگ و بوی تازه‌ای را به خود می‌گیرد که من دارم. وقتی شاد و باحوصله‌ام، او هم بشاش است؛ وقتی کم‌حوصله‌ام، تاب‌آوری‌اش هم کم می‌شود و بهانه‌گیری می‌کند. گویی در درونش یک دستگاه رادار دارد که فضای روحی - روانی اطرافیان را کشف می‌کند و برای رسیدن به خواسته‌هایش موقعیت را به خوبی می‌سنجد و می‌فهمد از طریق چه کسی و چگونه می‌تواند به خواسته‌اش برسد. هنوز هم مثل همان دوره نوزادی‌اش به دور و اطراف می‌نگرد و گویی به دنبال کشف جدیدی است. عروسک‌های نمایشی را دوست دارد و وقتی آن‌ها حرکت می‌کنند، به مقتضای سنش آن‌ها را جان دار می‌پندارد. وقتی به راه می‌افتد، می‌خواهد هویتش را به همه ثابت کند؛ ریخت و پاش می‌کند، آرایش

وچینش وسایل خانه را بهم می‌زند و از تماشای این شلوغی و به هم پاشیدگی و از اینکه توانسته است آرایش دلخواهش را پدید آورد، سرمست غرور و لذت می‌شود. من هم با او همراه می‌شوم و گاه از به هم ریختگی اسباب و وسایل خانه، برای بازی استفاده می‌کنم و لحظاتی را به بازی با آن‌ها سپری می‌کنیم. در این گونه مواقع، از اینکه باورش داشته‌ام و خواسته‌اش را در نظر گرفته‌ام، با او همبازی شده و پا به پایش بازی کرده‌ام، احساس رضایت می‌کند و من صمیمیت و علاقه و الفتش را نسبت به خودم در چشمانش می‌بینم.

او ساعت‌ها و دقائق زیادی را به بازی سپری می‌کند. از تکرار بی‌شمار یک فعالیت بازی‌گونه که از آن لذت برده است، خسته نمی‌شود و برای پنجاهمین بار هم باز دلش می‌خواهد که حرکتی را برایش تکرار کنم و هر بار هم لباسش به خنده باز می‌شود.

از تیم بازی بسیار لذت می‌برد، مثلاً روسری را جلوی چشمانش قرار می‌دهم وقتی آن را بر می‌دارم، با دیدن سر قه‌قهه می‌خندد، یا خودم را از میدان دیدش مخفی می‌کنم و وقتی ظاهر می‌شوم، وند و سرور سراپای وجودش را می‌گیرد.

من در همه حال، از همه مثبت‌کودکی او همواره بهره‌مند شده‌ام. وقتی نزد من است، فضای خانه و اهل خانه را هم لبریز از انرژی مثبت می‌کند. هم‌نشینی با او، پرونده کودک درونم را از میان لایه‌های پنهانی وجودم رو می‌کشد؛ به طوری که همراه با او کودک می‌شوم و به دوره کودکی‌ام برمی‌گردم و لحظات شادی را با تجربه می‌کنم. اصلاً شادی ناب را از او آموخته‌ام.

درباره بازی‌های مندرج در کتاب

در کتاب حاضر وقایع و رویدادهای مربوط به رفتار من کوکی، او را «پویا» می‌نامم، از روز تولدش نوشته شده است. من مادر بزرگ مادری اوهستم. مانند بیشتر مادر بزرگ‌ها نوه‌ام را دوست دارم و تولد او را بهترین اتفاق زندگی‌ام می‌دانم. پدر و مادرش شاس هشتاد و سه سالگی و من و مادرش او در غیاب آن‌ها به عهده من و مادر بزرگ پدری‌اش است. او در میان دو خانواده من و مادرش و دامن مهر و عطوفت مادر، پدر، پدر بزرگ، مادر بزرگ‌ها، خاله و عمه‌ها پرخوردار است. من همه رفتارها و بازخوردهای او را از اولین روز تولدش بر اساس روز و ماه و سال یادداشت و مستندسازی کرده‌ام.

بازی‌ها حاصل پژوهش است

در واقع می‌توان گفت که بازی‌ها در این کتاب حاصل پژوهشی کیفی و موردی من بر اساس تجربه‌هایم است. در این میان، هم مشاهدات خود را از رفتار نوه‌ام نوشته‌ام و هم بازی‌ها و

کارهایی را که با او انجام داده‌ام. بازی‌هایی که با اسباب‌بازی بوده، در اینجا نیامده‌اند. بازی‌هایی که در این کتاب مطرح شده، بیشتر مواردی است که در روال زندگی روزمره اتفاق افتاده است؛ آن‌هایی که بدون اسباب‌بازی و برایم خاطره‌انگیز بوده‌اند.

برگرفته از زندگی روزانه

بازی‌ها در روند زندگی عادی به کمک وسایل و امکانات موجود در خانه و بیرون از خانه و متناسب با موقعیتی که در آن قرار داشته‌ایم، انجام گرفته‌اند. این بازی‌ها از قبل طراحی و سازماندهی نشده‌اند بلکه به طور بداهه طراحی شده و به اجرا درآمده. برخی از آن‌ها صرفاً به منظور رکرم بردن کودک بوده است تا بتوانم بدون مزاحمت او کارم را انجام دهم. برخی هم برای منحرف کردن توجهش انجام پذیرفته‌اند. برخی از بازی‌ها برای جلب مشارکت کودک موردنظر، کارهای خاص بوده‌اند. کارهایی که در ظاهر بازی تلقی نمی‌شوند ولی کودک نه تنها از این کارها بیشتر از همه لذت می‌برد، بلکه از انجام دادن آن‌ها احساس غرور می‌کند و خوشحال است که پا جای پای بزرگتر می‌گذارد. اصلاً این گونه کارها بازی‌هایی هستند که ضمن رشد چند جنبه از شخصیت کودک، مهارت زندگی کردن را هم به او یاد می‌دهند.

بسیاری اوقات او مرا به بازی‌های نمونه کرده و در این صورت هم پا به پایش بازی کرده‌ام. در مجموع پویا، شرایطی را برای من راه آورده است که با او در زمان حال باشم و پا به پایش شادی‌های کودکی را تجربه کنم.

نوشته حاصل تعامل است

سعی کرده‌ام وقایع را هم به همان صورتی که اتفاق افتاده است و به طور مبسوط بنویسم و در خیلی از موارد نحوه برقراری ارتباطمان را به تفصیل ذکر کنم. نحوه رفتارخودم، پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های او را نیز نوشته‌ام تا مادران، مربیان و دیگر خدایان از آن بهره ببرند. اکنون او چهار ساله است، هر وقت این یادداشت‌ها را برایش می‌خوانم، غرق در لذت می‌شود. هر وقت خانه ما می‌آید، تقاضا می‌کند که یادداشت‌ها را برایش بخوانم و می‌گوید: «قصه‌کوچک‌هایم و بگو!»

همه جا محل بازی است

به نظرم هر جا می‌تواند محیط بازی با کودک باشد؛ خانه، کوچه خیابان، بازار، پارک و هر جای دیگری که کودک در آن قرار می‌گیرد. بازی لزوماً اسباب خاصی نمی‌خواهد؛ بلکه همه اشیای اطراف

ما می‌توانند اسباب‌بازی شوند و آدم‌های دور و بر ما برحسب شرایط و موقعیت شریک بازی باشند. در این محیط‌های بازی هم اسباب و وسایل بازی وجود دارد، هم محتوای بازی، روش و شیوه بازی کردن، ارزشیابی بازی نیز با بزرگسالی است، که همبازی کودک می‌شود. در هر محیطی می‌توان به یک مجموعه اهداف تربیتی رسید.

مقصد رشد همه جانبه

در بازی‌ها رشد همه جانبه کودک مورد نظر بوده است. قبل از هر چیز، بنا را بر زیاد محبت کردن به او، احترام به او و ارتقای اعتماد به نفس و خودباوری‌اش گذاشته‌ایم. سعی کرده‌ایم توانایی‌هایش را به ی نشان دهیم رفتارهای مثبت او را پررنگ کنیم. رفتارهای نادرستش را به دیده اغراض بنگریم، او را به انجام دادن کارهای خوب ترغیب کنیم و به قوه تخیلش پر و بال دهیم با تخیلاتش به حکام دواز در قصه‌ها، نمایش‌ها، عروسک بازی همسفر شوم و به رشد خلاقیت او نیز توجه داشته باشیم.

اشعار کتاب

بعضی از شعرهایی که در این کتاب آمده‌اند، پختگی لازم را ندارند. زیرا من شاعر نیستم و فقط گاه و بی‌گاه، به منظور هر چه نیازم در فضای بازی شعرگونه‌هایی را بداهه گفته‌ام. پویا از شنیدن این سخنان آهنگین بسیار خوشحال می‌شد. جالب است که شعرهای بی‌معنی بیشتر از شعرهای معنی‌دار او را شاد و سرحال می‌کرد. برخی از شعرها را ویراستار محترم، افسانه طباطبایی تصحیح کرده‌اند.